

4789

۱۰۶۰

۲۶

۲۲۴

کتابخانه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

WWW.KITAB.IR



۲۸۷

علم‌الحدیث

تألیف

کاظم دیرشاهی

(استاد دانشگاه مشهد)



دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

سرشناسه: مدیر شانه‌چی، کاظم، ۱۳۰۶ - ۱۳۸۱.

عنوان و نام پدیدآور: علم الحدیث / تألیف: کاظم مدیر شانه‌چی.

وضعیت ویراست: [ویراست ۲].

مشخصات نشر: قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ۳۲۴ ص.؛ نمونه.

فروست: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی؛ ۲۸۷.

شابک: ۹-۱۹۷-۴۷۰-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: چاپ نوزدهم: بهار ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ هیجدهم ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ بیست و یکم: تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت: چاپ بیستم: بهار ۱۳۸۶.

یادداشت: چاپ بیست و چهارم: ۱۳۹۲.

یادداشت: چاپ بیست و دوم: زمستان ۱۳۸۸.

یادداشت: نمایه.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: حدیث.

شناسنامه سرورده: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ردیف کنگره: ۱۳۸۱ ع ۸ م ۴ / ۱۰۹ / BP

رده بیسی: ۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۵۰ - ۸۱ م



علم الحدیث

- | | |
|--|-------------------|
| <input type="checkbox"/> استاد کاظم مدیر شانه‌چی <small>رحمته الله</small> | ■ مؤلف: |
| <input type="checkbox"/> علم حدیث | ■ موضوع: |
| <input type="checkbox"/> رقعی | ■ قطع: |
| <input type="checkbox"/> بیست و ششم | ■ نوبت چاپ: |
| <input type="checkbox"/> دفتر انتشارات اسلامی | ■ چاپ و نشر: |
| <input type="checkbox"/> یک جلد | ■ تعداد مجلدات: |
| <input type="checkbox"/> ۳۲۴ | ■ تعداد صفحات: |
| <input type="checkbox"/> تابستان ۱۳۸۷ | ■ تاریخ انتشار: |
| <input type="checkbox"/> ۹-۱۹۷-۴۷۰-۹۶۴-۹۷۸ | ■ شابک: |
| <input type="checkbox"/> ۱۰۰۰ | ■ شمارگان: |
| <input type="checkbox"/> ۱۷۰۰۰ تومان | ■ قیمت: |
| <input type="checkbox"/> WWW.EN-ESLAMI.IR info@En-Eslami.ir | ■ نشانی اینترنتی: |

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

مقدمه دفتر

یکی است که در صدر اسلام، دانش و فهم اسلامی، منحصر به متن قرآن کریم و سخنان رسول مکرّم اسلام ﷺ بود. پس از آن علوم و ادب؛ اعم از لغت، صرف و نحو، معانی و بیان، بدیع و عروض، سیره، تاریخ، فقه و اصول پدید آمد، که همه آنها با قرآن و احادیث ارتباط تنگاتنگ داشت؛ چراکه پایه و اساس همه این علوم، قرآن، روایات و احادیث نبوی بود. پس از رحلت رسول گرامی اسلام ﷺ، فرقه‌ها و مکتب‌هایی با نام‌های مشخص و معینی چون: شامه، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، عثمانی، مروانی و غیره در صحنه تاریخ اسلام ظهور یافت که هر کدام، ایده و اندیشه‌های مذهبی و عقیدتی خاص خود را صواب دانسته و بقیه را تخطئه و برخطا می‌دانست و معیار تمام این فرقه‌ها آیات قرآن و احادیث نبوی بود و هر کدام در کلام و مناظرات خویش احادیث نبوی را فاصل حق و باطل و مایز سره از ناسره قرار می‌داد.

اما آنچه در این میان، باعث تفرق شد، احادیث جعلی و دست‌سازی بود که متأسفانه از سوی برخی از صحابه پیامبر و افراد علیل المنان وارد روایات و احادیث نبوی گردید، چنانچه مرحوم علامه امینی رحمته الله در کتاب ارزشمند الغدیر، اسامی و روایات جعلی برخی از آنان را با شرح و بسط کافی نقل فرموده است.

بنابراین، جوامع اسلامی، ضرورت علم حدیث و شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح و موثق و غیر موثق پدید آمد چنانچه در این زمینه

کتابهای رجالی بسیاری در مجلدات متعدد، به رشته تحریر درآمد و به خامه طبع آراسته شد.

هـ چنین در زمینه احادیث و روایات پیامبر، ائمه معصومین علیهم السلام و دیگر بزرگان دین، فریقین، جوامع حدیثی مستقل و مفصلی را تدوین، چاپ و به علاقه‌مندان تقدیم نموده‌اند.

هـ رالف ماسر، در این مجموعه، ألحق زحمات و تلاشهای فراوانی را تحمل نموده و پیرایون علم الحدیث، مطالب مفید و سودمندی را به جوامع فرهنگ تقدیم نموده که مورد استقبال زیاد پژوهشگران قرار گرفته است. برخی از عناوین این کتاب عبارتند از: نخستین طبقه ناقلین حدیث، اختلاف صحابه در تدوین حدیث، جمع‌آوری حدیث، سیر تدوین حدیث در شیعه، روایات بنوری و ناقل و علل جعل حدیث، سیر تدوین حدیث و ...

این دفتر، پس از بررسی، ویرایش، مقابله و اصلاحاتی چند، این اثر ارزشمند را برای چندمین بار چاپ و در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان معارف اسلامی قرار می‌دهد، امید آنکه چراغی فروزان، فاروی علوم حدیثی باشد، ان شاء الله.

در خاتمه از خوانندگان محترم تقاضا داریم هرگونه انتقاد و با پیشنهادی دارند، به آدرس قم: صندوق پستی ۷۴۹، دفتر انتشارات اسلامی، بخش تحقیق و بررسی فارسی، ارسال دارند، با تشکر فراوان.

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

پیشگفتار

پس از انتشار نخستین چاپ کتاب حاضر، جمعی از داخل و خارج کشور، با نامه‌ها و پیام‌ها، محبت، آمیز خود، مرا مورد عنایت قرار دادند. گرچه نوشته من در خور تحسین نبود، ولی هر چه بود، خلأئی را که در زمینه گزارش از حدیث و علوم آن در زبان فارسی، مشاهده می‌شد، تا حدی پر کرد، آن هم نه بدان گونه که کتابی کامل و به اصطلاح «جامع الاطراف» باشد، بلکه این کار، گامی بود در راه وصول به میراث فراموش شده رسول اکرم ﷺ و عترت گرامی وی^(۱)، اما این بنا بدانچه ارائه شده بود، بسنده نکرد و اوقات فراغت، در این زمینه به مطالعاتی پرداخته و نتیجه سیر در این گلزار، دامنی از گلهای دماغ پرر بویستان علم الحدیث، هدیه به دوستان آورد که ضمیمه این چاپ گردید.

۱ - لان الانبياء لم يورثوا ديناراً ولا درهماً بل ورثوا احاديث، فمن اخذ منها فقد اخذ بحظ وافر. (حضرت صادق عليه السلام، نقل از وصول الاخير، ص ۶)

بخش مصطلحات حدیث (که به درایه معروف است) چون در دانشکده‌های الهیات و نیز در بعضی از مدارس حوزه علمیه قم و مشهد تدریس می‌شد، با بسط بیشتر، تدوین گردید، منتها چون باروش اختصار این کتاب، مناسب نبود، در رساله‌ای مجزا گردآوری شد و در این کتاب به آنچه در چاپ نخست آمده بود (با جرح و تعدیل مختصری) بسنده نمود. و این رساله درایه با همان و جازت که در خور کتب درسی است، تمام مصطلحات، با سبک تحقیقی بررسی گردید و مواردی که بین امامیه و اهل سنت اختلاف در نامگذاری یا خصوصیات مصطلحات بود، بازگو نمود و مزید فایده، متن را از اصطلاح فریقین در ذیل صفحات آورد تا فراگیرنده را حفظ آن سهل باشد.



چون پژوهنده را گزیری از مراجعه به کتب فن (چه مجموعه‌های حدیث فریقین و چه کتابهای رجال الحدیث) نیست، ضمن بحث از مجموعه‌های حدیث، گزارشی از کتب مهم حدیث فریقین و شروع و اختصارات آن با خصوصیات چاپ و محل انتشار آنها بیان داشت و در پایان کتاب، فهرستی از کتب رجال و تذکره‌ها و گزارس نامه‌ها، حفاظ و محدثین و کتب علم الحدیث، آورد تا راهنمای طالبان علم باشد.

کاظم مدیرشانه‌چی

آبان ۱۳۵۴

مقدمه

اهمیت حدیث از نظر علوم اسلامی

می دانیم که در صدر اسلام دانش اسلامی منحصر به متن قرآن و سخنان رسول اکرم بوده و بعداً که علوم دینی، ادب (لغت، صرف و نحو)، معانی و بیان، بدیع، عروض، سیره، تاریخ، تفسیر، قرائت، فقه و اصول پدید آمد، همه و همه با حدیث توأم بوده؛ زیرا قرائت قرآن با سلسله سند به پیغمبر می پیوست؛ چنانکه تفسیر، جز منقولاتی روایی پیش نبود.

تاریخ و سیره، شعبه‌ای از حدیث بود که حتی در پاره‌های آن کتاب (چون صحیح بخاری) از هم تفکیک نشده و آنچه به نام مغازی و سر و تواریخ به تنهایی تدوین گردیده، جز روایاتی که با سلسله سند نقل می شد، چیزی نبود، به خصوص آنچه مربوط به عصر پیغمبر بود، نوعاً از اصحاب آن حضرت یا کسانی که آنان را درک کرده بودند «تابعان» نقل می شد. و می دانیم آنچه از صحابه یا تابعین نقل شود، از اقسام حدیث

شمرده می‌شود. از این رو، مورخین دورهٔ اوّل را «اخباری» گویند؛ چون منقولات تاریخی را با سلسله سند به ناقل اولی، منتسب می‌ساختند. در علوم ادب هم سخنان پیغمبر که سرآمد فصحای عرب به شمار می‌رفت، مورد استشهاد عالمان زبان و فنون ادب بود؛ چه آنکه کتب اولیهٔ لغت، از غریب القرآن و غریب الحديث شروع شده و کم‌کم سایر لغات. در شمار لغت‌های قرآن و حدیث، به کتب لغت وارد گردید. اما سنی بیان، از آن رو که قرآن معجزه باقی معرفی شده بود و اعجاز قرآن را بیشتر در فصاحت و بلاغت آن می‌دانستند، بیشتر آیات قرآن وجههٔ نظر عمای بیان قرار داشت. خاصه که حدیث چون نقل به معنا شده و عین سخن پیغمبر نبود، کمتر مورد استشهاد واقع می‌گردید، ولی معذک کلمات قصاری که پیغمبر حفظ مانده بود و نیز سخنان علی رضی الله عنه (که به عقیده شیعه جزو حدیث است) به کثرت مورد استشهاد قرار می‌گرفت و از این رو حدیث را با ادب عربی توأم می‌ساخت. در دانش کلام و مناظره بین فرق اسلامی، دانش حدیث از باطل و مایز درست از نادرست، سخن رسول اکرم بود و در نتیجه همین علمی بدون دانستن حدیث، به کمال مطلوب نمی‌رسید.

به همین جهت، چون از طبقهٔ صحابه که دانش آنان منحصر به کتب سنت بود بگذریم، عالمان دانشهای اسلامی همه از حدیث، بهره‌رسانی داشتند و بالأخره حدیث، مایه و پایهٔ همهٔ علوم متداول بود و گذشت زمان و تکامل علوم، کیفیت این امتزاج را دگرگون نساخت، بلکه کتبی تحت عنوان مجازات النبویه، کلمات قصار رسول اکرم و علی مرتضی،

خطب و نامه‌های مولا و سایر صحابه، بخش تازه‌ای در ادب عربی باز کرد و با نوشتن شرح‌ها بر آن، موقعیت ادبی آنها تثبیت و تأکید شد. اینها همه تأثیر حدیث در علوم اسلامی است. اما حدیث خود چنانکه در مطاوی این کتاب خواهیم دید، به تیره‌هایی بخش و هر یک موضوع علمی قرار گرفت و عالمانی در رشته‌های آن تخصص یافته و به تألیف کتب پرداختند؛ چنانکه در ناسخ و منسوخ، مشترک، مدلس، مسلسلار، مشکلات، احادیث عددیه و غیر اینها و همچنین در رجال، زنجیره حدیث و سبائت محدثین و رشته‌های خاص آن از قبیل مدلسین، وضاعین، مشترکین در اسامی، موشکافیها شد و کتابهای ارزنده‌ای به وجود آمد که چون طی مباحث این کتاب به سیر اجمالی آن اشاره شده، تکرارش را لزومی ندیدم.

تأثیر حدیث در ادبیات فارسی

ولی آنچه شایسته است به کوتاهی از آن یاد شود، سیر حدیث در ادبیات فارسی است که از دیرباز در نظم و نثر درج وارد شده و ادب را مایه و سخن را ملاححت بخشیده و در نتیجه بر وسعت حوزة بیان فارسی افزوده، یا از آن رو که در طی سخن، به حدیث اشاره و استشهاد شده و یا از آن نظر که موضوعات دینی و روایی به صورت حماسه‌های مذهبی با مناظرات دینی و سیره‌ها و سوگواریهای منظوم و بالأخره شرح احادیث، عنوان سخن شاعران پارسی زبان شده است، به طوری که غیر از عناوین مستقل مزبور، کمتر اثری از شاعران پیشین است که حدیث و موضوعات

روایی در آن نایاب باشد.

بنابراین، نایده انگاشتن حدیث نه تنها از وجههٔ دین و ابتدای علوم دینی بر آن، روا نیست، بلکه از نظر احیای ادبیات گرانمایهٔ زبان شیرین فارسی، غفلت را نشاید. خاصه فهم متون ادب و دیوانهای شاعرانی که در دانشهای دینی نیز استاد بوده‌اند؛ چون ناصر خسرو، سنائی، عطار، خاقانی، نظامی، مولوی و سعدی جز با دانایی به حدیث، امکان ندارد. به اضافهٔ نکته‌ها و لطیفه‌ها که در آن تلمیحاً به حدیثی اشاره شده، درخشانترین خطوط ادب است که مخصوصاً از نقطه نظر آموزش و اخلاق، اهمیت بسزایی دارد؛ چنانکه متون کهن نثر فارسی که در رشته‌های تفسیر، اخلاق و دیگر علوم تدوین شده و اکنون ما را در بررسی ادوار ادب پارسی از مراجع به آن گزیری نیست؛ چون شیر و شکر به حدیث آمیخته گشته و ناچار شناسایی تحولات زبان، بدون فهم دقیق حدیث، میسر نمی‌گردد.

گزارشی از این کتاب

در سال ۱۳۳۷ تدریس علم الحدیث مؤسسهٔ وعظ و تبلیغ مشهد به عهدهٔ این جانب قرار گرفت و چون قبلاً کتابی برای تدریس رشتهٔ مذکور در نظر گرفته نشده بود، قهراً انتخاب موضوع به عهدهٔ معلم و موکل به سلیقهٔ وی می‌گردید.

این جانب پس از بررسی جوانب کار، چنین اندیشیدم که باید طرحی ریخت تا با ساعات کم تدریس، حداکثر استفاده عملی گردد و آن ذکر

کلیاتی در علم الحدیث است که مفتاح کار باشد و اصولاً در دوره محدود مؤسسه یا دانشکده و برنامه متنوع و مترکم آن مجال استقصای بحث در رشته‌هایی که تعیین شده نیست. به اضافه که در حدیث (چنانکه در همان جزو بیان شده) دست جعل، دفتر این دانش را مشوش ساخته و چهار ررانهای مختلف سیر حدیث را برای پیدا کردن اوراق اصلی از جعلی، باید از نظر گذراند و منابع صحیح را در دسترس اطلاع دانشجو قرار داد و راه کار به وی نمایاند تا آنکه خود با در دست داشتن چراغ بینش، به سیر خود در راه حدیث‌شناسی ادامه دهد، لذا در آغاز این دروس، معنای حدیث و روایت و مرادفات آن بیان گردیده سپس پیدایش و صدور حدیث و تاریخ ضبط و تدوین آن در میان فریقین بررسی شده و در سیر تدوین حدیث که از جزو ما به مجموعه‌ها و از آنها به مجموعه‌های کلان‌تر انتقال یافت، به سبب سخن رانده شده و کارهایی که پیرامون مجامع حدیث و شروع آن انجام شده، بازگو گردید. آنگاه به مناسبت کثرت حدیث در دورانهای اخیر، یادآوری شد که تمام منقولات را نمی‌توان راست پنداشت و یاد کردیم که حتی در زمان پیغمبر، جعل حدیث رواج داشته و پس از آن حضرت، دوری جعل نه تنها از بین نرفته، بلکه فزونتر گشته و پس از بیان موجبات جعل حدیث و ذکر مثالی برای هر یک، اموری که در صحت حدیث شرط است بازگو نمودیم و برای تأیید سخن، به نمونه‌ای از احادیث موضوعه و نام جمله‌ای از مشاهیر و ضاعین حدیث اشاره کردیم ضمناً یادآور شدیم که بیشتر آنانکه حدیث وضع می‌کردند، مردمان ظاهر الصلاحی بوده‌اند و

این خود بر دشواری تمیز مجعولات می افزاید. ضمناً به سبب دیگری که موجب سهل انگاری در امر حدیث شده، اشاره نمودیم و آن موضوع تسامحی است که در دلیلهای سنن و مستحبات به عمل می آید و یاد کردیم که بی مبالاتی در این موضوع، چه عواقبی در پیش دارد. آنگاه وسایل تشخیص احادیث صحیح را از مجعول یاد نمودیم و چون مُبَلِّغ، ناچار از ترجمه حدیث است، سخنی چند در کیفیت ترجمه و آنچه در آن بایسته است، یاد گفتیم. آنگاه به اجمال، از رشته های مختلف علم الحدیث سخن رانده در پایان، مصطلحات حدیث را به کوتاهی یاد کردیم و ختام سخن را ذکر حدیثی از کتاب کافی قرار داده و به شرح آن با تطبیق به آنچه گذشت، درس سال را پایان دادیم.

اوراق پراکنده این درس، به همت یکی از دانشجویان^(۱) به خطی خوش نوشته شد و به صورت منقحی یادگار دوران یکساله به بنده اهدا گردید.

حسن استقبال دانشجویان که در میان آن فضلاء از حوزه علمیه مشهد وجود داشت، مشوق شد، در تعطیل تابستان در مجال بیشتری برای بررسی مطالب درس مزبور داشتم، بار دیگر نظری به مطالب جزوه افکنده و آنچه را شایسته انضمام به نظر رسید، اضافه کنم. در سال جدید، یکی از دانشجویان سال گذشته^(۲) که از ماجرای این

۱ - آقای مؤمنی هروی.

۲ - آقای فاضل مطلق.

اضافات اطلاع یافت، سیاههٔ اوراق اضافی را برای ضمیمه ساختن به جزوهٔ سابق، مأخوذ داشت و پس از برهه‌ای، نسخه‌ای از پاکنویس آن را به بنده مرحمت فرمود. متأسفانه نسخهٔ مزبور نزد این جانب مفقود شد و دیبانه کار پاکنویس اوراق پراکندهٔ اصلی تجدید گردید و پیداست که رنج این کار، سربار زحمت اصلی بود، ولی هرچه بود گذشت و خوشوقتم که نتیجهٔ این زحمت‌ها به صورت یادگاری از آن دوران باقی ماند.

سخنی دربارهٔ چاپ این کتاب

با همه زحمتهایی که در تهیهٔ مطالب این جزوه عملی شد، این جانب آنرا قابل عرضه به بازار این نعلی دید و انتظار فرصت می‌جست که با مراجعه به منابع بیشتری، نواقص آن را برطرف سازد.

اتفاقاً دو کتاب در علم الحدیث که اخیراً زینت بخش مطبوعات عربی شده بود^(۱)، مرا بر دو امر واقف ساخت؛ نخست، گمان ابتکاری که در این روش به خود داشتم روشن شد که علامهٔ مسیحی علیه جمال الدین قاسمی، قریب یک قرن پیش و سپس دکتر صبحی صالح استاد حدیث دانشگاه دمشق، بر آن سلوک نموده‌اند؛ بدین معنا که هیچ ادوار

۱ - این دو کتاب، یکی «قواعد التحدیث» از علامهٔ قاسمی (متوفای ۳۳۱ هجری قمری) است که به سعهٔ اطلاع و روشن بینی و حریت عقیده بر عالمان آن زمان سبقت داشت و انصافاً که در این زمان نیز کم نظیر است. دیگر «علوم الحدیث و مصطلحه» از دکتر صبحی صالح استاد دانشگاه دمشق که با استفاده از منابع وثیق، به روش تحقیقی این کتاب را نوشته است.

حدیث و سیر حدیث را بر عناوین ابواب افزوده، نیز در بخشهای دیگری به اشباع سخن رانده‌اند که مرا مزید بصیرت و متمم گار شد.

یگر آنکه به من جرئت داد که بضاعت مزجاة خویش را، به بازار دانش عرضه دارم؛ زیرا با همه اسم و رسمی که دیگران را مسلم دیدم، در نوشتن اسم‌های این موضوعات این فن، جز فضیلت سبقت و اکثار سخن و تکثیر شاهد، بر آنچه این بنده با نداشتن وسایل نوشتن، فزونی ندارند، منتها با این شرط، که از سیر حدیث نزد شیعه و کارهایی که در این باره به وسیله پیشوایان این جمیع انجام شده اصلاً و ابداً سخنی به میان نیاورده‌اند و ما با همان اخباری که شیوه این نوشته ناچیز است، آن را در بخش ویژه‌ای بحث کرده‌ام.

باری، پس از این برخورد، در توصیه و تشویق بعضی از دوستان، جزوه مشاهده را به شورای انتشارات دانشگاه تقدیم داشتم و شورا لزوم چاپ و انتشار آن را به دانشگاه گزارش داد و در شورای دانشگاه، مورد تأیید واقع و کتاب آماده چاپ شد.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از تمام کسانی که بنا به درخواست این کار تشویق و یاری فرموده‌اند مخصوصاً دوست دانشمندم جناب آقای موسی شیبیری تشکر کنم و ضمناً نکاتی ضمنی را، عرض دارم.

۱- در فهرست اعلام، کسانی را که یادشان بسیار شده، لزومی در نمایاندن محل نام آنها ندیدم.

۲- در ترتیب الفبایی اعلام، به حرف اول بسنده شد و این کار گرچه

بر خلاف سنت فهرست نویسی است، ولی مجال ترتیب حروف بعدی با عجله‌ای که چاپخانه داشت، پیدا نشد.

۳- در منابع (که نوعاً در زیر صفحه بدان اشاره شده است) از چاپی که در فهرست یاد کرده‌ام، نقل سخن گردیده، جز آنکه از کشف الظنون، تا اوایلی که چاپ اخیر در دسترس نبود، از چاپ اول (اسلامبول) نقل شده و نمودار آن صفحه است، به خلاف چاپ اخیر مصر که نمودار آن قائمه (ستون) است.

اسفند ۱۳۴۴ کاظم مدیر شانه‌چی

۱- زیرا در این چاپ، هر صفحه به دو ستون بخش شده و شماره هر بخش در بالای همان بخش از صفحه مرقوم شده است.